

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه کننده: رابرت الارتنس - Interview: Robert Allertz

برگردان از: جاوید

۱۸ فیبروری ۲۰۱۵

گفت و گو های آخر هفته

دشمن طبقاتی اختراع تبلیغاتی المان شرق نبود.

مصاحبه با ولفگانگ شوانیتز و ورنر گروسمن به خاطر تأسیس وزارت امنیت المان شرق در ۶۵ سال قبل از امروز و حملات از جانب غرب.



پیگیری لجام گسیخته و پراز نفرت : قطعات اسناد پاره شده دوسیه های به جا مانده از وزارت امنیت المان شرق «اشتازی» با جدیت دوباره باز سازی می شوند . در مجموع ۱۶۲۵۰ جوال دوسیه های پاره شده جمع شده است .

آقای "شوانیتز" شما در واقع آخرین وزیر امنیت کشور « اشتازی » و شما آقای " گروسمن " آخرین رئیس اطلاعات خارجی المان شرق بودید .

شوانیتز: من باید اصلاح کنم و توضیح دهم که من مانند ورنر گروسمن از سال ۱۹۶۸ معاون وزیر و بعد از تغییر کابینه در نومبر ۱۹۸۹ در شورای وزیران منصوب گردیدم اما نه به عنوان وزیر بلکه به عنوان رئیس دفتر امنیت ملی که به عوض وزارت امنیت کشور «اشتازی» ایجاد شده بود .

به این ترتیب من در ۱۱ جنوری سال ۱۹۹۰ فرا خوانده شدم و معزول گردیدم . به ارتباط این موضوع جلسه کمیته مرکزی تصمیم برای انحلال دفتر امنیت ملی گرفت . چهار روز بعد از آشکار شدن انحلال امنیت ملی، مرکز آن در لیشتنبرگ غارت گردید .

آقای " گروسمن " شما به حیث جانشین مارکوس ولف خدمات اطلاعات خارجی جمهوری دیموکراتیک المان را هدایت ورهبری می کردید، یعنی اداره فرماندهی اطلاعات خارجی وزارت امنیت کشور را . همچنین شما هم در اوایل سال ۱۹۹۰ معزول شدید . خلاف اداره ضد جاسوسی اداره اطلاعات خارجی توانست در ظرف سه ماه تمام دوسیه های خود را از بین ببرد .

گروسمن: طوری که ما اکنون می دانیم این یک موفقیت نسبی بود . زیرا امریکائی ها توانستند اسنادی را به دست بیاورند که امریکائی ها آن اسناد را «چوب خوشبو» نامگذاری کردند . به این وسیله تمام منابع ما نه بلکه قسمت زیاد آن از لو رفتن مصون گردید .

چند اجنت و چند همکار غیر رسمی ما نه بلکه تعدادی زیادی از آن ها تا امروز غیر قابل تشخیص باقی مانده و احتمالاً برای همیشه غیر قابل تشخیص باقی خواهند ماند . با این حال در مراحل نهائی خابینی وجود داشتند ، که منابع مهم اطلاعاتی را به خدمات المان غرب افشاء کردند و به این ترتیب به دستگیری و محکومیت آن ها کمک کردند . نفرت عمیق و تغییر ناپذیر خود را به این خابین ابراز می دارم .

حدس و گمان در مورد وجود دارد که چه طور خدمات سری ایالات متحده امریکا به این اسناد دست یافت و مخصوصاً به فلم های (اف ۱۶) و اطلاعات داخل آن که در آن نام های واقعی ذکر شده بود . برخی ادعا می کنند که یک افسر (کا جی بی) آن را به سازمان سیا فروخته است ، وعده ای خابین را در درون صفوف خود می بینند .

گروسمن: جواب صادقانه بدهم ؟

البته!

گروسمن : من نمی دانم . امروز هم چنان این موضوع بی ربط است . بهترین های ما به حبس های طولانی محکوم شدند . که اکنون همه حبس های خود را سپری کرده اند . به جز ترزا ماری اسکویلاکوت که در سال ۱۹۹۹ در امریکا به ۲۱ سال زندان محکوم شد ، غیر از وی دیگران همه بدون استثناء آزاد شده اند . دستگیری و محکومیت آن ها یک بی عدالتی فاحش به این دلیل است که جاسوسان خود را که در (بی. ان. دی. خدمات سری المان غرب) مشغول بودند تحسین کردند و تقدیر و پاداش دریافت کردند .

در باره اسناد «چوب خوشبو» باید دقت کنیم ، این اسناد راجستر شده تا پایان سال ۱۹۸۸ است ، بنابراین راجستر آخری به هیچ وجه نبود ، و می توان نتیجه گرفت که استفاده این مواد کم از کم یکسال قبل از انحلال سرویس اطلاعات خارجی باید رخ داده باشد و با حمله نامنهاد بالای وزارت امنیت کشور «اشتازی» در جنوری ۱۹۹۰ هیچ ربطی ندارد، آنطوری که اغلب بر این باورند . علاوه برین در آن زمان به دفتر اطلاعات خارجی به هیچ وجه دستبرد و حمله ای صورت نگرفت . بقیه امور را بعداً مقامات المان غرب به سفارش امریکائی ها انجام دادند .

شما چه فکر می کنید ؟

گروسمن : در ارتباط با افشاءگری جاسوسی جهانی توسط آژانس امنیت ملی ایالات متحده امریکا که به وسیلهٔ سندن صورت گرفت و به اطلاع عموم رسید - تحلیلگر ارشد ما **کلاوس ایشنر** در این مورد در سال گذشته کتابی (۱) منتشر کرده است که اطلاعات المان شرق از منابع خود در المان غرب در اواخر دههٔ ۷۰ اطلاع حاصل کرده بودند که امریکائی ها به طور سیستماتیک از متحدان خود جاسوسی می کردند.

به علاوهٔ دیگر چیز های مورد نیاز، در اختیار ما فهرست ملی بازیابی اطلاعات (از سیگنال های رادیویی) قرار گرفت در آن فهرست خواسته های کاخ سفید به جامعهٔ اطلاعاتی ایالات متحده خلاصه گردیده بود که دولت ایالات متحده امریکا از تک تک کشورها چه را می خواست بداند . آن ها هنوز هم مطابق همین لیست کار می کنند و در هر دو سال آن را یک بار مطابق شرایط روز نو می سازند .

اسنادی که توسط ما تهیه و جمع آوری و ارشیف شده بود در ۴ اکتوبر ۱۹۹۰ در اولین روز وحدت دو المان توسط کوماندهو های ویژه به دستور وزیر داخلهٔ المان فدرال **ولفگانگ شویبله** از آرشیف برلین با همکاری دیگران جمع گردید و بلافاصله به ایالات متحده امریکا پرواز داده شد . چند سال بعد تر با بیانیه ای که داده شد دلیل آن چنین ذکر گردید که اسناد بدون تغییر دارائی ایالات متحده امریکا بود و به این سبب باید برای شان باز گردانده می شد . در حقیقت تحویلدهی اسناد برای پاک کردن رد پا بود که امریکائی ها در جاسوسی از متحدان خود به جا گذاشته بودند و این اسناد نیز آن ها را کمک کرد .

پنهان نگهداشتن جاسوسی بدون افشاء گری ادوارد سنودن هم موفق می گردید . به گفتار کارکنان سابق وزارت امنیت کشور «اشتازی» که در آن وقت مثل امروز کمتر توجه صورت گرفت . به این ارتباط آقای " شوانیتز" سوالی به خاطر ضرورت یک مؤسسهٔ مانند وزارت امنیت کشور « اشتازی » پیدا می شود که باید جواب گفته شود
شوانیتز : جمهوری دموکراتیک المان از همان ابتداء نه تنها در مرکز دید سازمان های اطلاعاتی قرار گرفت بلکه به چشم دشمن به آن نگاه می کردند . (دشمن طبقاتی) اختراع تبلیغاتی المان شرق نبود بلکه یک واقعیت بود . پس از فروپاشی ائتلاف ضد هیتلر جنگ سرد آغاز گردید .

متفقین غربی به خصوص ایالات متحده امریکا می خواستند قدرت پیروزمند شرقی را که در کناره های رود خانهٔ البی ایستاده بودند دوباره با فشار آن ها را مجبور به ترک مواضع شان کنند و خود به طور دائم در قارهٔ اروپا فرمانروائی کند . آن ها این ستراتیژی را تعقیب می کردند : روس ها از اروپای مرکزی خارج شوید ! آن ها ناتو را تأسیس کردند و سیاست خود را «عقبگرد» نام گذاشتند . این ستراتیژی را به طور مداوم وبا موفقیت دنبال کردند . و امروز ناتو در سرحدات روسیه رسیده است .

در این زمینه باید ما از همه که امروز دوباره ویا به طور همیشگی در بارهٔ پرخاشگری ولذت الحاق گری مسکو چرند می گویند به یاد شان بیاوریم که پیمان وارسا اتحادیهٔ دفاعی شرقی ، که پس از داخل شدن جمهوری فدرال المان در ناتو تشکیل گردید - در طول موجودیت خود از سال ۱۹۵۵ تا زمان فروپاشی آن در ۱۹۹۱ یک متر مربع خاک دیگران را نه فتح کرد و نه اشغال کرد و نه ساحهٔ خود را گسترش داد .

تأسیس و بنیاد نهادن وزارت امنیت «اشتازی» در ۸ فبروری ۱۹۵۰ یک نهاد جهانی نبود بلکه در ابتداء یک مأموریت دفاع ملی بود ، که توسط وزیر داخله آن زمان " کارل اشتاینهوف " دقیقاً توصیف گردید .

شوانیتز : در واقع این مسأله در مرکز کار ما قرار داشت . من در سال ۱۹۵۱ به وزارت امنیت کشور «اشتازی» پیوستم و ورنه هم تقریباً در همان وقت به آن جا پیوسته بود . و این یک منطق قانع کننده داشت : اگر دشمنان داخلی و خارجی تکامل اجتماعی در جمهوری دموکراتیک المان وجود داشت ما به حیث مدافعان توسعه اجتماعی باید آن را تشخیص و بی ضرر می ساختیم ، سوالی برای کشف آن به وجود می آید که باید در خارج از سرحدات کشور ریشه آن را جست و جو می کردیم . ما باید مسؤولان و مسببان خرابکاری و جاسوسی را در بیرون از سرحدات کشف می کردیم .

پس تنها کشف یگانه وظیفه اداره عمومی اطلاعات نبود

گروسمن : طبعاً که در طول چندین دهه وظایف تغییر می کند اما در مرکز کار دفاعی و کشفی تا به آخر حفاظت و امنیت و تقویت سوسیالیسم قرار داشت و هم چنان حفاظت از جاسوسی صنعتی.

غرب ما را از تقسیم بین المللی کار جدا کرده بود ، و علیه ما تحریم وضع کرده بود ، که سال به سال لیست کالاهائی که به کشور های سوسیالیستی تحویل داده نشود مشخص می گردید و ما را مجبور ساخته بودند با استفاده از راه ها و وسایل غیر قانونی برای اقتصاد ملی خود کالا های مورد ضرورت خود را که غرب از تحویل دادن آن خود داری می کرد تهیه کنیم . همکاری نزدیک بین نهاد های امنیتی کشف (روشنگری) و خنثی سازی(دفاع) که در زیر یک سقف کار کنند نشان داد که چقدر مفید و مؤثر بود .

آیا تمام کارکنان تان می دانستند که در زیر این سقف چه چیز های اتفاق می افتاد ؟

شوانیتز : البته که نه ، به خاطری که در تضاد با قوانین محرمانه نگاه داشتن اسرار بود البته با این توجیه و دلیل که بسیاری چیزها شامل پنهان کاری بود .

اگر ما به شکل آشکار و تهاجمی خود را به نمایش می گذاشتیم ، از یک طرف درک و پذیرش مردم در مورد ما بیشتر می شد و از طرف دیگر بعد از سال ۱۹۹۰ مخالفان ما با فریبکاری و تبلیغات تهاجمی آن قدر موفق نمی گردیدند . حتی کارکنان خود ما شگفت زده شده بودند ، زمانی که آن ها اطلاع پیدا کردند که همه این امور تحت اداره وزارت امنیت «اشتازی» و مربوط به آن بوده است ، طیف وسیعی از وظایفی که ما آن را پوشش می دادیم .

آیا من درست فهمیدم ؟

شوانیتز : ما در سال گذشته کتاب خاطرات یکی از کارمندان خود را منتشر کردیم (۲) . چهارده مرد و یک زن از کار و فعالیت خود به پایگاه گزارش می دادند، آن ها در ساحات مختلف جامعه به کار گمارده شده بودند . ما خودمان هم از عکس العمل خود راجع به متن این کتاب شگفت زده شدیم . اول با توجه به تنوع و مقدار زیادی تأیید از هر طرف ، دوم با توجه به محتویات و گزارشات کامل کتاب . برخی از همکاران ما که اکنون متوجه شدند که در همه جای اجتماع « اشتازی » حضور فعال داشته است که در مقابل نفوذ اجانب سد واقع شده بودند .

گروسمن : من معتقدم که مردم از تمام این بحث یعنی دولت غیر عادلانه المان دموکراتیک به ستوه آمده اند . در حالی که این واقعاً یک بحث نیست . این مسأله را به عنوان واقعیت جازده و تنظیم کرده اند : که جمهوری دموکراتیک المان هیولا و دولت غیر عادلانه بود . اما تبلیغات خودشان در مورد مخالفان :

کسانی که این را امضاء نکند و یا دیدگاه راملو نخست وزیر ایالت تورینگن را نداشته باشد دموکرات نیست « این ها فکر می کنند که هر آدم خورد یا بزرگ در المان شرق می توانست در زندگی دیگران دخالت کند « این چه نوع دموکراسی ست که برای دیگران تجویز می کنند که گذشته و حال انسانها را چه گونه در نظر داشته باشند ؟

شوانیتز: من به تازگی یک جمله عاقلانه یکی از رفقای ما را خوانده ام " کسی که صحبت نمی کند ، نباید شکایت داشته باشد که صدایش شنیده نمی شود . من کنایه را به عنوان یک تقاضا و درخواست درک می کنم که ما هم باید خود را آشکار و در معرض توجه قرار دهیم . همین اکنون دو درجن نویسندگان بالقوه خود را به ناشر کتاب معرفی کرده اند . من فکر می کنم جلد دوم کتاب شاهدان مزاحم هم بیرون خواهد شد

بازار کتاب از ادبیات **خاطره نویسی متورم گشته است . به نظر می رسد که همه اگر سرگذشت مکمل داشته باشد می خواهد آن را نیز به محیط و نسل های آینده گزارش دهد . با تمام احترام به هریک از این نویسندگان آیا باید چنین باشد؟**

گروسمن : من فکر می کنم که یاد آوری و خاطرات وزارت امنیت المان شرق « اشتازی » با خاطرات شخصی افراد و متون آن نمی تواند مقایسه گردد .

اولاً : اگر ما گزارشی تهیه می کنیم پس از آن به خاطر خود ما نیست ، بلکه به خاطر دفاع از جمهوریت دموکراتیک المان است .

جمهوریت دموکراتیک المان و سوسیالیسم به این سبب از بین نرفت که دموکراسی وجود نداشت یا آزادی کم داده شده بود یا به حقوق بشر احترام گذاشته نمی شد ، بلکه ما سؤال مالکیت را طرح کرده بودیم و سیستم را به پاسخ خواسته بودیم .

دولتی که در جهانی تحت سلطه سرمایه داری چنین سؤالی را طرح کند امنیت و موجودیتش را به خطر مواجه می سازد و باید از آن دفاع کند . فرانک گسترگ مدیر تیاتر برلین در مصاحبه اخیر خود گفت روح انحصارات استثماری از خوشی دست را به دست می مالد که در پشت صحنه مبارزه به خاطر حقوق بشر و آزادی را تمثیل می کند . (۳)

امریکاییها در همه جا شکایت حقوق بشر را سر می دهند اما تنها با نابودی وحشیانه زندگی انسانها ، و بر روی تاج و تخت خونین حقوق بشر تکیه می زنند ، و برای آن ها ریاکارانه سر و صدا به راه می اندازند این را باید اضافه کنیم : آن ها تنها سر و صدا به راه می اندازند و در پی تحقق آن نیستند

و در مرحله دوم ؟

گروسمن: فکر می کنیم که باید ما اطلاعات خود را منتشر کنیم و به همین دلیل است چیزی که ما منتشر می کنیم از نوع خاطرات شخصی و معمولی نیست . و به حیث دارنده اطلاعات آن را باید به دیگران انتقال دهیم .

« اشتازی » احتمالاً همان نهادی از المان شرق است که بدون تغییر زیاد ترین دروغ ها در باره اش گفته می شود . این امر تا حدودی نیز با پنهانکاری فوق العاده و لفاظی شوانیتز ارتباط دارد . راحت تر ما را محکوم می کنند زیرا در باره ما کمتر چیزی شناخته شده است .

دوسیه ها

گروسمن: بله دوسیه ها. این ها مانند آمار و ارقامی ست که درباره آن چرچیل گفته بود من فقط به آن دسته اسنادی اعتماد می کنم که خودم آن را جعل کرده باشم. بدینوسیله من می خواهم بگویم اوراق مرده دوسیه ها می تواند به هر صورت تفسیر گردد که به وسیله بودجه عمومی تأمین مالی و بررسی گردد و به وسیله صنایع خاطرات باز خوانی شود و از آن مطالبی را بیرون کنند که آن مطالب به اهداف شان خوانائی داشته باشد.

با این حال قضاوت کاملاً متفاوتی وجود دارد.

شوانیتز: بلی البته. من همیشه در این زمینه به توضیحات ۱۵ می ۱۹۵۵ محکمه قانون اساسی المان فدرال مراجعه می کنم. اعضای سرویس مخفی المان شرق مانند همه سرویس های مخفی کشور های جهان تحت قوانین دولت های خود اجازه دارند و حتی از آنها خواسته می شود که فعالیت های خود را ادامه و انجام دهند.

من می خواهم یک بار دیگر بالای پنهان کاری که توسط شما ذکر گردید دوباره تماس بگیرم. به تاریخ ۲۴ نومبر ۱۹۸۹ "دفتر امنیت ملی" که توسط شما آقای شوانیتز هدایت می شد در یک کنفرانس مطبوعاتی یک کاوشگر جاسوسی امریکائی را که به وسیله ضد جاسوسی در نزدیکی یک پایگاه نظامی ردیابی گردیده بود به نمایش گذاشتید و همچنان شما توضیح دادید که بعد از سال ۱۹۸۶ المان شرق ۲۲ جاسوس رقیب را دستگیر و زندانی نموده است که ۱۸ نفر شان برای ("ب این دی" سازمان جاسوسی المان غرب) کاری کردند، در المان شرق برای عده زیادی زندانی کردن جاسوسان رقیب بی تفاوت بود و آن ها این را به عنوان یک تلاش آخری و یا حتی برای مشروعیت بخشیدن توجیه می کردند.

شوانیتز: من می توانم درک کنم اگر ما به طور مداوم در همان زمان کسانی را که دستگیر کرده بودیم گزارش می دادیم مردم در مورد فعالیت های ما و نیاز به تأسیسات دفاعی و ضد جاسوسی، بهتر از اکنون که وقت از وقت گذشته است درک درستی می داشتند.

گروسمن: با این حال با یک استثناء که خدمات سری تا زمانی خدمات سری محسوب می گردد تا وقتی که همه چیز را در یک ناقوس بزرگ آویزان نکند، من فکر می کنم که برخی با قوانین توطئه برای مغلوبیت باید باقی بماند

با در نظر داشت این واقعیت که دقیقاً توطئه برای بقای سازمان های امنیت اصرار می ورزد.

گروسمن: من فکر می کنم که ما باید در این جا درست یکی را از دیگری جدا کنیم. اطلاعات سری با اطلاعات سری برابر نیست اگر چه شاید روش ها و تاکتیک های شان که با آن کار می کنند با هم مشابه باشند. من نمی خواهم ضد جاسوسی خود را با دلایل مختلف با المان غرب مقابسه کنم نه تنها نظام سیاسی رهنمود دهنده که در نقطه مقابل هم قرار داشت.

کار « اشتازی » همیشه به خاطر حفظ صلح تنظیم شده بود. به همین سبب در مورد مؤسسان آن هم خاموشی اختیار شده بود، کارکنان ما همه از گروه های مقاومت ضد فاشیستی آمده بودند و از طرف مقابل از سرویس های اطلاعاتی فاشیستی تشکیل گردیده بود (۴)

پس از انحلال رسمی وزارت امنیت « اشتازی » بعد از یک ربع قرن همین اتفاق بر سر « اشتازی » افتاد و همه چیز افشاء گردید. ساختار داخلی آن به طور کامل آشکار گردید آن هم از طرف کارکنان سابق خود این نهاد.

شوانیتز: درست است این مطالب را قسمی که قبلاً اشاره شد ما در نشریات خود ذکر کرده ایم ، من می خواهم همچنان اشاره کنم که کمیته متخصصین «اشتازی» آن حمایت می کند تاریخ وزارت mfs-insider.de صفحه اصلی امنیت را اضافه تر از یک دهه بعد برای روشن ساختن در اینترنت ارائه دهد .

گروسمن: من این را به عنوان عکس العمل و بازتابی دوامدار از هیستری ضد « اشتازی » و رگبار گلوله های تبلیغاتی بالای جمهوریت دموکراتیک المان شرق به ارتباط بیست و پنجمین سالگرد فروپاشی دیوار برلین ارزیابی می کنم و اجرای آن احتمالاً یک حرکت امتحانی برای بیست و پنجمین سالگرد وحدت دو المان که در خزان امسال تجلیل می گردد من فکر می کنم که ما را هم هدف قرار خواهند داد .

مصاحبه توسط رابرت الارتس انجام شد

* در ۸ فبروری شصت و پنج سال قبل از امروز وزارت امنیت کشور تأسیس گردید . وزیر داخله "کارل اشتاینهوف" یک سوسیال دموکرات سابقه و از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ صدراعظم براندنبورگ در مقابل پارلمان دلایل ایجاد قوانین مربوطه و وظایف چنین نهادی را توضیح داد . وظایف اصلی این وزارتخانه مراقبت تصدیهای دولتی و کارخانجات ، امور حمل و نقل و مزارع دولت در برابر حملات جنایتکارانه و محافظت آن ها از حملات خصمانه عناصر جنایتکار می باشد و مبارزه مصممانه در برابر فعالیت سازمان های دشمن، خرابکاران، جاسوسان و سبوتازکاران را به پیش بردن می باشد . تا از توسعه و تکامل دموکراتیک خود محافظت کنیم و اقتصاد صلح آمیز و دموکراتیک خود را بدون زیان و صدمه به خاطر تحقق پلان های اقتصادی به پیش ببریم .

۱ - **کلاوس ایشنر** امپراتوری بدون رمز و راز. چه چیز را المان شرق قبلاً در باره آژانس امنیت ملی ایالات متحده امریکا می دانست- چاپ شرق برلین ۲۰۱۴

۲ - شاهدان مزاحم خاطرات کارکنان اشتازی- ناشران ولفگانگ شوانیتز و راینهارد گریمر برلین ۲۰۱۴

۳ - فرانک گستورف روزنامه المان جدید ۲۴ دسمبر ۲۰۱۴

۴ - ناشران کلاوس ایشنر - گوتهولد شرام تعرض و مدافعه . سازمانهای اطلاعات المان بعد از ۱۹۴۵ ، نسخه شرق برلین ۲۰۰۷ ویا نازی ها در(بی ان دی) مستند تلویزیونی در کانال آرته به تاریخ ۸ جولای ۲۰۱۳

داکتر ولفگانگ شوانیتز متولد سال ۱۹۳۰ شمولیت در وزارت امنیت کشور «اشتازی» در سال ۱۹۵۱ بعد از سال ۱۹۵۸ امر اداره ضد جاسوسی برلین از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۶ رئیس ایالت برلین پس از آن تا نومبر ۱۹۸۹ معاون وزیر و سپس رئیس دفتر امنیت ملی . در ۱۱ جنوری ۱۹۹۰ توسط پارلمان از کار برکنار گردید و آخرین رتبه نظامی دگر جنرال.

ورنرگروسمن متولد سال ۱۹۲۹ شمولیت در اداره امنیت و اطلاعات سیاست خارجی در سال ۱۹۵۲ و بعداً در اداره اطلاعات خارجی وزارت امنیت «اشتازی» . از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۶ معاون اداره اطلاعات خارجی و سپس جانشین مارکوس ولف ، رئیس اطلاعات خارجی و معاون وزیر . برکناری از وظیفه در ۳۱ مارچ ۱۹۹۰ آخرین رتبه نظامی تورن جنرال

منبع:

, Seite 1 (Beilage) / Wochenendbeilage Ausgabe vom 31.01.2015 Aus: